

# بارزترین صفات اصحابِ عدم دل‌بستگی به دنیا

هیچ‌کس نمی‌تواند خود را به صفات فرد یا جمعی متصف کند، مگر این‌که در میان آنان زندگی نموده و همگام با آنان حرکت کرده باشد. مسلماً نزدیک‌ترین و آشنا‌ترین مردم به حال اصحاب رضی‌الله‌عنهم نسل تابعین -رحمهم الله- هستند. به همین دلیل از همه بیشتر تحت تأثیر رفتار ایشان قرار گرفته، و توانسته‌اند ابعاد مختلف شخصیت آنان را توصیف کنند.

میمون بن مهران تابعی در توصیف یاران رسول خدا صلی الله علیه و سلم و مقایسه آنان با نسل زمان خویش می‌گوید: به محضر کسانی شرفیاب شده‌ام که یا سکوت را برمی‌گزیدند، یا به‌جز حق کلمه‌ای بر زبان جاری نمی‌کردند، و به خدمت مردانی رسیده‌ام که بعد از ادای نماز صبح تا طلوع خورشید به‌جز ذکر خدا چیزی نمی‌گفتند، و مردانی را یافته‌ام که از ترس پروردگار، به آسمان نگاه نمی‌کردند، و اگر برخی از آنان زنده شوند و اعمال شما را مشاهده کنند، به‌جز قبله هیچ‌چیزی از شما قبول نمی‌کنند»

میمون بن مهران در اینجا تنها به برخی از صفات نسل بنیان‌گذار اشاره می‌کند، او می‌بیند که نسل‌های بعدی از این صفات تهی شده و حتی معتقد است که نسل کنونی چنان از اصحاب رضی‌الله‌عنهم فاصله گرفته است که اگر آنان زنده شوند و اعمال ایشان را ببینند، به‌دشواری مسلمان بودنشان را باور خواهند کرد. این نگرانی از حساسیت بسیار ظریف و دردمندی شاگردان اصحاب رضی‌الله‌عنهم حکایت می‌کند و این حاکی از اکرام و احترامی است که تابعین نسبت به اصحاب گرام رضی‌الله‌عنهم دارند. این مهران بسیار بعید می‌داند که نسل تابعین بتواند جای اصحاب را پر کنند یا حتی به جایگاه آنان نزدیک شوند.

وی دوری گرفتن نسل‌های بعدی از اصول و ارزش‌ها را دلیلی روشن بر این ادعا می‌داند. امام حسن بصری رحمه الله یکی از تابعین بزرگ نیز به لحاظ شدت علاقه و دل‌بستگی به اصحاب رضی‌الله‌عنهم از تغییراتی که بر سر نسل زمان او آمده است، درد دل می‌کند و به آنان می‌گوید: می‌خندیم و از عملکرد خود غافلیم. خداوند بر اعمال ما نظارت دارد، چنانچه بر مبنای رفتارمان با ما برخورد کند، هیچ‌چیزی را از ما نمی‌پذیرد. وای بر تو ای بنی‌آدم! مگر شما توان و نیروی جنگیدن با خدا را دارید؟ من قومی را دیده‌ام که دنیا از منظر آنان

از خاکستر زیر پایشان کم‌ارزش‌تر بود، و قومی دیگر نیز دیده‌ام که به‌جز قوت شب چیز دیگری را نداشتند، و با این‌وجود هم آن را مصرف نمی‌کردند، بلکه بعضی از آن را صدقه می‌دادند، در حالی خود گرسنه‌تر بودند»

آنچه امام بصری را وادار می‌کرد، این‌گونه از اصحاب یاد کند، حرص و اشتیاق او برای هدایت و راهنمایی نسل معاصر خویش به‌سوی آن صفات و اخلاق بزرگ بود، زیرا از انقراض نسل اصحاب رضی‌الله‌عنهم به‌شدت احساس وحشت و نگرانی می‌کرد.

از بارزترین صفاتی که میمون بن مهران رحمه الله از نسل اصحاب نقل می‌کند، عدم اتلاف وقت است، آنها بر این مسئله بسیار حریص بودند که نکند وقت گران‌بهای خود را بیهوده سپری کنند. همچنین آنان به‌شدت از خدای خویش بیم داشتند، امام حسن بصری بارزترین صفات اصحاب رضی‌الله‌عنهم را در تحقیر دنیا و دست‌کم گرفتن و عدم دل‌بستگی به آن می‌داند، آنان دلدادگی آخرت و شیفتگی صفا و برادری بودند. سوگند به خدا این چهار ویژگی، از بارزترین صفات در میان اصحاب رضی‌الله‌عنهم بوده است، صفاتی که بسیار مشکل می‌توان آن را در میان نسل‌های بعدی یافت.

آنان به خاطر ضایع‌شدن لحظه‌ای از وقت، خود را محاسبه می‌کردند و جز در ذکر خدا لب به سخن نمی‌گشودند؛ زیرا کردارشان بر گفتارشان غلبه یافته بود، و بیشتر اوقات سکوت اختیار می‌کردند. آنان بسیار از خدا می‌ترسیدند و همین ترس حالتی برای آنان ایجاد کرده بود که اشک در چشمانشان خشک نمی‌شد. ترس از خدا علت اساسی آراسته‌شدن آنان به صفات نابی بود که تاریخ مانند آن را در میان هیچ ملتی به خود ندیده است.

آنان حقیقت جهانی را که در آن می‌زیستند درک کرده و در شناخت آن مانند نسل‌های بعدی دچار اشتباه نشدند، آنان می‌دانستند دنیا پلی است که انسان را به آخرت پیوند می‌دهد، نیز معتقد بودند که دنیا خانه فنا است، نه سرای خلود و بقا و عمر در آن محدود است، آنان برای انجام کار نیک از زمان سبقت می‌گرفتند، و توجهی به زرق و برق آن نداشتند، گرچه دنیا برای بسیاری از ایشان خود را جلوه داد، اما آنان خود را اسیر دنیا نکرده و حقیقتاً درک کرده بودند که بدون محبت و برادری از بهشت و رضوان خدا برخوردار نخواهند شد، چون پیامبر صلی‌الله‌علیه و سلم به آنان فرموده بود: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تَأْتُوا، وَلَا تَأْتُوا حَتَّى تَحَابُّوا، أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمْ مَوْهٌ تَحَابَبْتُمْ، أَفْشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ»

«سوگند به خدایی که نفس من در دست اوست، داخل بهشت نمی‌شوید تا ایمان نیاورید، و ایمان نیاورده اید تا یکدیگر را دوست ندارید، آیاشما را به چیزی رهنمایی کنم که اگر آن را انجام دهید، یکدیگر را دوست بدارید؟ میان خود سلام‌کردن را گسترش دهید».

آنان در میان خود برای ایجاد فضای دوستی و مودت، مسابقه می‌دادند و یقین داشتند جامعه‌ای که پیامبرشان بنیانگذاری کرده است نمی‌تواند علیه لشکر باطل، نیرومند باشد، مگر این که از استحکام زیادی برخوردار باشد.

به همین دلیل بر تقویت آن بنا تأکید کرده و تمامی وسایل استحکام بنیان برادری را فراهم کردند تا سدی منیع و استوار در برابر هجوم دشمنان خدا ایجاد کرده باشند، امری که در آغاز تشکیل جامعه<sup>۱</sup> ایده‌آل و مدینه<sup>۲</sup> فاضله در اوج خود بود، تا جائی که گروهی از آنان ترجیح می‌دادند خود گرسنه بمانند، ولی برادر دینی خود را از گرسنگی نجات دهند. این است قلَّ<sup>۳</sup> بلند برادری: <sup>۴</sup>وَيُؤْتُونَ<sup>۵</sup> ثِرْوَنَ<sup>۶</sup> عِلَیْهِمْ<sup>۷</sup> أَمْ أَنفُسِهِمْ<sup>۸</sup> وَلَوْ<sup>۹</sup> كَانَتْ<sup>۱۰</sup> بِهِمْ<sup>۱۱</sup> خَصَاصَةٌ<sup>۱۲</sup> [الحشر: ۹]. «و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند باشند».